

در پیرامون عدم تمرکز و مشارکت روستائیان در عمران و آبادی مناطق

از عباس گروسی :

در حال حاضر با توجه به طرح تقسیمات کشوری و قانون آن کوچکترین واحد سرپرستی و سیاسی و اجرایی دولت "بخش" میباشد که از یک یا چند دهستان تشکیل شده است و در رأس آن نماینده دولت بنام "بخشدار" قرار دارد *

حقیقت این است که تا کنون هر اقدامی که در جهت تقسیم مسئولیت و تویه شرح وظائف برای مسئولین اجرایی دستگاههای دولتی کرده ایم جز آنکه غول بورکراسی حاکم بر دستگاههای اجرایی و اداری را قریه نمائیم چیزی عاید مان نشده است *

همه میدانیم که سازمان و تشکیلات اداری و اجرایی دولت بشکل هرمی است که متأسفانه قاعده آن در مرکز مملکت و مراکز استانهاست و رأس آن در روستاها و هرگونه اقدامی که در جهت سازمان دادن و تشکیلات دستگاههای اجرایی می نمائیم به افزون شدن مساحت قاعده این هرم می انجامد *

و به همین جهت است که سازمانهای دولتی برای دخالت حتی در کوچکترین مسائل مربوط به زندگی جامعه روستائی مملکت نیز برای خود رسالتی قائلند و در این میان آنچه بحساب نیامده و نصی آید فعالیتها و نظام سنتی روستائیان است * در این بررسی توجه عمده ما بر این است که چگونه این هرم واژگونه شود و پیرایه های اداری و اجرایی شکسته گردد و قاعده هرم در روستا مستقر و رأس آن به مرکز منتقل شود *

ت
* دهستان بعنوان واقعی ترین و همگن ترین واحد جغرافیائی از دیر زمان در طرح تقسیمات

داری و سازمانی حکومتی مورد توجه بوده و در روزگاران قبل از اسلام بعنوان کوچکترین واحد تقسیمات مملکتی شناخته شده بود * و برای تمشیت امور آبادیهای آن در رأس هر دهستان (روستا یا رستاق) یک نفر از بزرگان و آزمودگان و معتمدان و خبرگان به اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن دهستان بنام دهگان بزرگ یا بزرگ دهقان قرار داشت که احتمالاً "با شورائیی مرکب از دهقانان دیهوها واقع در آن دهستان، رابط میان رعایا و تشکیلات حکومتی منطقه بودند * دولتهای مرکزی تمامی مسائل خود را از طریق دهقانان، و دهداران حل و فصل میکردند و اعمال سیاست کلی و خط مشی مملکتی از این طریق بود و در مسائل مربوط به زندگی و اختصاصات آن تصمیم گیرنده خود مردم بودند که سازمان دهقانی مستقر در دهستان به آن شکل میداد *

امر کردن قنات و لایروبی و مرمت آنها، حفر جداول آب و تقسیم آب سازمان بندی بنده، تعیین میزان خسارات وارده به رعایا در هنگام وقوع بلایا و حوادث مانند سیل و زلزله تعمیر بندها و سد ها و احداث آنها، محافظت دهستان هنگام بروز فتنه و آشوب، احداث راههای سنگفرشی، احداث حمام، اداره موقوفات، حل و فصل مسائل مهم و مشکلاتیکه در زمینه تولید برای رعایا بروز میکرد. دادن مساعده و تقاوی، عمران اراضی بایر، احیا و بهره برداری از مراتع و جلوگیری از تبدیل آنها حل و فصل دعاوی کشاورزان و روستائینان در مورد سامان اراضی مزروعی، مساحت اراضی و ممیزی آنها، سرشماری نفوس و بسیاری از مسائل از این قبیل در محیطه اختیار و اقتدار دهقان و دهدار بود.

امروزه متأسفانه دهستان از واحد سیاسی و اداری و اجرائی ما حذف شده است و به جای آن بخش، جایگزین گردیده که در رأس آن فردی فاقد تمامی قدرتهای اجرائی بنام "بخشدار" نشسته که در بسیاری موارد علاوه بر اینکه حوزه مأموریت خود را خوب نمی شناسد، از چگونگی اجرای بسیاری از طرحهای و پروژههای عمرانی که در مناطقی تابعه حوزه مسئولیت او اجراء میشود و یا در دست اجراء است بی اطلاع و نا آگاه است.

برای حل این معضل و بازگرداندن نقش اصلی و دخالت دادن خود مردم روستاها در مسائل مربوط به عمران و آبادی محیط سکونت و زیستگاه خود پیشنهاد میشود:

۱- دهستان بعنوان واحد پایه تقسیمات کشوری شناخته شود، و امور دهستان زیر نظر انجمن یا شورای دهستان اداره گردد. این انجمن از نمایندگان انتخاب شده و معرفی شده تمامی دههای يك دهستان تشکیل شود و یا به نسبت جمعیت از دو یا سه ده مجاور يك نماینده داشته باشد.

رئیس انجمن دهستان بعنوان "دهدار" یا هر عنوان دیگری شناخته شود. نمایندگان عضو انجمن دهستان حتماً باید بومی و ساکن دهستان باشند و وظائف انجمن دهستان عبارت خواهد بود از:

تصمیم گیری درباره چگونگی اجرای پروژه های عمرانی مورد نیاز دهستان و روستاهای تابعه آن. تعیین اولویتها در اجرای برنامه های عمرانی و تخصیص اعتبار برای اجرای آن. نظارت در برنامه های در دست اجرای عمرانی.

• تعیین کدخدایان آبادیهما

• اختصاص اراضی و تعیین آن برای خانه سازی روستائیان

اداره امور مراتع و تعیین نحوه بهره برداری از آن برای دامداران محل با توجه به عرف محل، لایروبی قنوت، اجازه احداث قنات، حفر چاه، اجازه تبدیل اراضی کشاورزی و احیاء اراضی موات، تعیین زمین برای پروژه های عمرانی • نظارت در پرداخت وام و احیاء سازمانهای تولید جمعی (بندها)

اعمال و اجرای برنامه های مربوط به حفاظت محیط زیست دهستان و مراقبت در عدم آلودگی آن •

احداث مدارس و همچنین خانه های فرهنگ روستائی و پرداخت حقوق و پرسنل کارکنان بومی مدارس و سایر تاسیسات عمرانی و آموزشی و اداره آنها •

شورای محلی در تمامی مسائل مربوط به عمران دهستان قدرت اجرایی و تصمیم گیری داشته باشد و معرفی و اعزام روستازادگان برای تعلیم مهارت های مورد نیاز دهستان بعهده انجمن دهستان باشد تا براساس سهمیه ای که قبلاً برای دهستان تعیین شده است روستازادگان انتخاب و اعزام گردند •

برای انجام برنامه ها و اجرای آنها (برنامه های عمرانی که قبلاً با توجه به نیاز دهستان خود/شورا پیش بینی کرده و اولویت آنها را نیز تعیین نموده است) انجمن دهستان میتواند نسبت به خرید خدمت هر متخصصی که نیاز دارد از محل بودجه ای که در اختیار دارد اقدام نماید •

برای کار در مزرعه و باغات بویژه هنگام چیدن میوه و سردرختی انجمن میتواند از نیروی کار موجود در دهستان بویژه نیروی دانش آموزان استفاده و آنها را در جهت سازندگی در امور مربوط به عمران دهستان سازمان دهد •

انجمن دهستان میتواند با جلب خود یاری اهالی و از راه خیر مقداری از هزینه پروژه های عمرانی دهستان را تامین نماید •

هیچ طرحی عمرانی از طرف دستگاه های اجرایی دولت در دهستان پیاده نشود مگر اینکه انجمن دهستان مورد اظهار نظر قرار دهد و اجرای آن را تصویب کرده باشد و انجمن برای اجرای پروژه های عمرانی دهستان میتواند قرارداد لازم با پیمانکاران محلی یا منطقه ای -

منعقد کند و پیش‌بینی‌های لازم برای احداث سیل‌بند خانه‌ها و مزارع، احداث راه —
روستائی و بنمایند *

احداث تأسیسات بهداشتی و رفاهی و شبکه آبرسانی روستاها همگی از حیطة اختیار
و قدرت انجمنهای دهستان باشد و دولت در این رهگذر نقش‌ناظر و یاری‌دهنده را داشته
باشد نه مداخله‌کننده *

۲- بخشش :

از هر دهستان يك نماینده در شورای بخش زیر نظر بخشدار معرفی گردد *

مسئولیت شورای بخش عبارت خواهد بود از :

بررسی اعتبارات پیشنهادی انجمن‌های دهستان‌های تابعه که با توجه به نیازهای
عمرانی بشورای بخش فرستاده شده^{است} نظارت بر هزینه‌های انجام‌شده و سیله شورای دهستان *

انجام مساعدت‌های لازم برای طرحهای عمرانی در دست‌انجام در هر يك از دهستانها *

(بتدریج میتوان با کاهش بخشها و افزودن به تعداد شهرستانها از نقش واسطه‌ای بخش
کاست) *

۳- شهرستان :

از هر بخش يك یا دو نماینده در شورای شهرستان یا انجمن شهرستان عضویت خواهند
داشت وظایف انجمن شهرستان عیناً " مانند وظایف انجمن بخش خواهد بود *

در مواردیکه میان انجمن دهستان و انجمن بخش در مورد تقسیم اعتبارات و یا انجام —
طرحهای تعارضی رخ دهد نظر انجمن شهرستان قاطع باشد *

۴- انجمن استان :

از هر شهرستان يك نماینده در انجمن استان معرفی خواهد شد *

وظایف انجمن استان که زیر نظر استاندار انجام وظیفه خواهد نمود عبارت‌است از :

بررسی برنامه عمرانی پیشنهادی شهرستان‌ها برای سال مالی آتی و بررسی طرحهای
عمرانی زمان‌بندی‌شده و تقسیم‌بندی عمرانی استان میان شهرستانها *

نظارت بر حسن اجرای برنامه ها

در این میان زمان‌بندی باید دقیقاً " به این اصل توجه داشت که انجمن دهستان به —
هیچ وجه نباید بصورت يك انجمن تشریفاتی و غیرفعال باشد بدین معنی که از تمرکز و قبض

قدرت در شورای بخش و شورای شهرستان باید پرهیز نمود *

ادارات اجرائی در سطح شهرستانها و استانها باید رفته رفته بصورت واحد های -

ستادی مرکب از چند کارشناس درآیند *

برای مسائل عمرانی و فنی و بهداشتی نظیر پل سازی ، راه های روستائی احداث

مدارس و درمانگاهها و غیره و استخدام پزشک و دامپزشک و کارشناس کشاورزی و یا اعزام -

روستازادگان به مدارس حرفه ای و فنی و آموزشگاههای کشاورزی برای کسب مهارت های مورد

نیاز دهستان انجمن دهستان باید اختیار انعقاد قرارداد و معرفی افراد را داشته باشد ،

برای تعیین مشاغل و کادر مورد نیاز دهستان در یک مدت زمان مشخص باید ترتیبی

اده شود که روستازادگان دهستان بتوانند با آموزشهای لازم در هنرستان ها و مدارس

حرفه ای تخصصها و مهارت های لازم را برای اداره مسائل عمران و آبادانی حوزه دهستان

خود کسب کنند و تا مدتی که به وجود ایشان نیاز است بر طبق ضوابطی انجمن دهستان

بتواند با انعقاد قراردادی از وجود ایشان استفاده نماید *

برای انجام مسائل عمرانی که اجرای آن در سالهای اول از حیطه قدرت انجمن های -

دهستان خارج است ۱۰٪ بودجه عمرانی سالیانه بخشها باید در حساب انجمن بخش

ذخیره و برای خرید ماشین آلات سنگین نظیر بولدوزر ، نهرکن ، گریدر ، لودر و کامیون

که پرسی و نظائر آن بمصرف برسد *

بودجه راههای روستائی و تمامی بودجه های عمرانی در سطح کشور باید در بودجه عمرانی

استانها ادغام گردد * و برای انارسانی های سیستم اداری ^{موجود} تذکر چند مثال بسنده میکنم :

منطقه لارستان یکی از بزرگترین مناطق دیم کار ایران است که در تمامی دشت های آن

که بنام " کفه " نامیده میشود ، زراعت دیم میکنند *

یکی از دشتهای معروف آن بنام " کفه صحرای باغ " در دهستان صحرای باغ از بخش

حومه لارستان است اما سال یعنی در فصل زراعی ۳۷ - ۳۶ در این دشت که طول آن حدود

۷۰ کیلومتر از قریه هرمود تا خلیلی و فداغ ^{میباشد} زراعت نکرده اند *

در سفری که به عمار ده یکی از قراء تابعه این دهستان از تاریخ ۲۲ / ۹ / ۳۶ تا

۲۴ / ۹ / ۳۶ داشتیم علت را جویا شدیم نتیجه از این قرار بود :

در عماد ده حدود ۱۰۰۰ الاغ وجود دارد که اغلب مورد استفاده قرار نمیگیرد و در صحرا رها و ول هستند دههای دیگر دهستان هم به همین ترتیب سال از سایر دههاست دهستانهای مجاور نیز الاغها را بار کامیون و وانت کرده اند و آورده اند در صحرا برای باغ رها ساخته اند حال حدود ۱۲۰۰ الاغ در این صحرا رها و سرگردانند بواسطه وجود اینها کشت پایمال میشود و آسیب میبیند که اینک محصول سال گذشته شان کم پیش این آسیب و صدمه را از حیوانات رها و بی صاحب دید. حال که در صحرا کشت نکرده اند و بواسطه دیر آمدن باران علف نیز در صحرا وجود ندارد حیوانات به باغهای مرکبات اطراف عماد حمله میکنند و بیشتر نهالها بویژه نهال لیموترش را خورده اند و شاخه و درختها را نیز چریده اند.

مقررات میگوید در این گونه موارد مال باخته و خسارت دیده باید حیوان بی صاحب را بگیرد و نگاه دارد و شکایت کند و مقوم بیاورد و خسارت را تقویم کند آنگاه که صاحب مال شناخته شد خسارت را از او از طریق دستگاههای قانونی بگیرد و تمامی کشاورزان و باغداران بواسطه اینکه برای اینکار که به نتیجه هم نمیرسد سرگردان و متضرر خواهند شد از شکایت چشم پوشی کرده اند در حالیکه واقعیت این است در بسیاری از مناطق ایران با آمدن وانت حیوان بار بر کاربرد خود را از دست داده و بصورت و پال برای روستائیان شده است.

بعنوان نمونه از این مشکل در جزیره هرمز، قریه هلیله در بوشهر و صحرای باغ لار و هزاران جای دیگر میتوان نام برد حال اگر تشخیص اینکه این نوع حیوانات مزاحمند یا نه یا تا چه حد مزاحمند و برای جلوگیری از مزاحمتشان چه تدابیری باید اتخاذ کرد در عهد و صلاحیت خود مردم باشد بطریقی این موضوع را حل خواهند کرد. و اگر تصمیم به معدوم کردن آنها بگیرند آنرا بهترین مرجع برای این تشخیص انجمن دهستان است.

ب: قریه مهگویه در کنار رودخانه قره آغاچ (مند) در سامان شهرستان فیروز آباد و لارستان واقع و جزء دهستان خنج بخش آوز شهرستان لارستان است.

اراضی این آبادی از ممتازترین اراضی شلتوک کاری فارس است و ری محصول آن بسیار زیاد میباشد و معروف است که هر یک من بذر شلتوک آن ۱۰۰ من حاصل میدهد علاوه بر این، مقدار

بسیاری نخلستان و باغات لیموترش دارند *

تمامی کشت آنها فاریاب (آبی) است و بوسیله جد ولی بطول دو فرسنگ از رودخانه قره - آغاج آب آن تامین میشود * (۲۵۳۵)

سال زراعی گذشته در حدود آبانه که اینجانب به قریه مذکور رفته بودم مردم پریشان حال و ناراحت بودند زیرا جدول آنها احتیاج به لایروبی داشت و آب سوار آن نمیشد. زراعیـــــــــــــــــن و با بیل و کلنگ مقدار یک فرسنگ آن را پاک کرده بودند و یک فرسنگ دیگر آن باید بوسیله نهرکن لایروبی میشد *

میگفتند از بخشداری، بانک کشاورزی، شرکت تعاونی روستائی استعداد کرده ایم و حاضر شده ایم هزینه نهرکن را بپردازیم اصولاً " پاسخی بمانده اند در فارس هم نهرکن کم است به شیراز رفته ایم و گیرمان نیامده است * از فصل کشتان دارد میگذرد و نخلستان و باغات لیمویمان هم مدتی است بی آوند سعی اینجانب هم با مراجعه به مدیر کل کشاورزی، معاون استانداری، رئیس بازرسی شاهنشاهی فارس و رئیس سازمان آب و برق منطقه ای فارس برای تهیه نهرکن به جائی نرسید روسای یکی از دوایر مورد مراجعه اینجانب به من گفت دلت خوش است از شیراز نهرکن برود لار تا یک فرسخ نهریک ده را پاک کند ؟ * شاید هم او حق داشت چون بوروکراسی به مسائل تولید اعتنائی ندارد *

نهرکن در گوشه توقفگاه خودش در شیراز بهتر است تا اینکه برای حضرات ایجاد دردسر و اشکال و کار کند * در همین آبادی یکی از زراعیین که فرزندش در طرح نیشکر هفت تیه کار میکرد یک بوته نیشکر برای آزمایش به ده آورده و کاشته بود که با رشد حیرت آور خود استعداد بسیار این منطقه را برای این نوع کشت نشان میداد *

در حالیکه چنانکه در مرکز بخش یا در خود دهستان یا در مرکز شهرستان این وسیله بود و طبق یک برنامه زمان بندی و پیش بینی شده با دریافت هزینه لایروبی از روستائیان بر روی جد اولی که نیاز به لایروبی داشت و یا باید احداث میشد کار میکرد این گونه مشکلات برای روستائیان کمتر وجود داشت *

* در نزدیکی آبادی سنگراز توابع دهستان آباده طشک تابع شهرستان نی ریز در استان فارس محلی است بنام گبان که دو چشمه بزرگ پر آب بفاصله نزدیک هم از زیر کوه میجوشد و آب آنها در فاصله ۵۰ متری بدریاچه شور بختگان میریزد. در روزگاران گذشته بر روی یکی از این

چشمه ها بنام "گمپ شیرین" بندی بطول حدود ۵۰۰ متر برای مهار کردن آب آن بسته بودند که بنام بند دختر معروف است و با بالا آوردن سطح آب واحداث نهري بسزرگ، دشت واقع در قسمت شمال غربی و مغرب آنرا زیر کشت برده بودند بعد ها بعلى، چند جای این بند شکسته میشود و آب مجدداً "بطرف دریاچه بختگان سرازیر میشود در حال حاضر با جزئی تعمیرات و مرمت و بازسازی این بند و لایروبی نهرو آن میتوان حدود ۵۰۰ هکتار اراضی واقع در دشت معروف به چوار بید را آباد و کشت و زراعت نمود.

این بند و نظائر آنرا همان سازمان دهقانی موجود در دهستانی احداث نموده اند در حالیکه اکنون هیچ مرجعی خود را برای شناسائی و تعمیر و بازسازی و بهره برداری آنها مسئول نمیداند.

عبدالکریم
تاریخ : ۲۵۳۶/۹/۴۰

۱- در دوران بنامیز استثنائات در مدت ۱۳۵۵ به سبب آب و برق منطقه ای فارس موضوع کسب و بهر در از هر زاویه از جمله بهر بردار از آب "بند دختر" را عنوان کردم. پاسخ داد که وزارت آب و برق در این خصوص هیچ تکلیف و وظایف ندارد و انجام نمیده.

چون در نظام حکومت اسلام، اصل اساس، عدم تمرکز قدرت و توزیع قدرت بین ناس (خلق) است و قدرت حاکم در بین است تقسیم میشود و به بین سالان اصل حاکمیت ملی یعنی حکومت مردم است تحقق می یابد طرح فوق که در سال ۱۳۵۶ با برداشتم در انجام تحقق این هدف تهیه شده است میتواند برای استقرار نظام حاکمیت اسلام در سطح تمام تمرکز قدرت و توزیع قدرت و تقسیم قدرت ناس مطرح شود.

عبدالکریم
۱۳۵۸/۱۱